

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دانشکده علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M. A)

رشته روابط بین الملل

موضوع:

الزامات دولت باراک اوباما در مذاکره بدون پیش شرط با ایران

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر علیرضا سنجابی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر رضا جلالی

پژوهشگر :

مهتاب موحدی

سال تحصیلی:

زمستان ۹۰

تقدیم

به پدر.	به چشم‌های نجیبش.	که آفتاب صداقت.
به مادر.	به دست‌های سپیدش.	که بازتاب رفاقت.
به همسر.	به گام‌های استوارش.	که جلوه‌ی مسؤولیت.
و به عزیزان.	که اندیشه‌شان.	انگیزه‌ی حرکت.

سپاس

تویی که در تو، توانایی نواختن است؛

که در تو، قدرت ما را دوباره ساختن است.

همیشه خاطره‌ی خوب تو گرامی باد؛

و نام خوب تو. آن نام خوب. نامی باد. (حمید مصدق)

اینک که به یاری خداوند متعال، این رساله را به اتمام می‌رسانم، وظیفه‌ی خود می‌دانم که به سنت شاگردی، از اساتید محترم گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی تشکر نمایم؛ خصوصاً از استاد فرزانه، جناب آقای دکتر علیرضا سنجابی که با صبر و درایت فراوان، راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته‌اند و همواره ما را مدیون دانش و عنایت خویش نموده‌اند؛ از استاد ارجمند، جناب آقای دکتر رضا جلالی، استاد مشاور، که با توصیه‌های ارزنده‌ی خویش، مرا مورد لطف

خود قرار داده‌اند؛ و از استاد گرانقدر، جناب آقای دکتر محمد علی خسروی، که زحمت داوری این پایان‌نامه را قبول نموده‌اند، سپاسگزارم.

همچنین، از سروران محترم در اداره‌ی آموزش تحصیلات تکمیلی و سایر عزیزان دانشکده که علیرغم مسؤولیت‌های فراوان، با صبر، دقت و اخلاقی شایسته، یاور و پذیرایم بوده‌اند و نیز دوستانی که در تهیه و تنظیم این رساله یاری‌ام نموده‌اند، قدردانی می‌نمایم.

تعهذنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانف مهتاب موحدی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد به شماره دانشجویی ۸۶۰۰۰۹۴۱۵۰۰ در رشته روابط بین الملل در تاریخ ۹۰/۱۱/۲۷ از پایان نامه خود تحت عنوان الزامات دولت باراک اوباما در مذاکره بدون پیش شرط با ایران با کسب نمره و درجه دفاع نموده ام بدینوسيله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق رو پژوهش انجام شده توسط اینجانف بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانف مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:

بسمه تعالی

در تاریخ ۹۰/۱۱/۲۷

مہتاب موحدی دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل از پایان نامہ خود دفاع نمودہ و با نمبرہ
به حروف و با درجہ مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

بسمه تعالی دانشکده علوم سیاسی این چکیده به منظور چاپ در پژوهش نامه دانشکده تهیه شده است	
کد شناسایی پایان نامه: ۱۰۱۲۰۸۱۰۸۸۱۰۰۷	نام واحد دانشگاهی: تهران مرکزی کد واحد: ۱۰۱
عنوان پایان نامه: الزامات دولت باراک اوباما در مذاکره بدون پیش شرط با ایران	
تاریخ شروع پایان نامه: نیمسال دوم ۱۳۸۷ تاریخ اتمام پایان نامه: ۹۰/۱۱/۲۷	نام و نام خانوادگی دانشجو: مهتاب موحدی شماره دانشجویی: ۸۶۰۰۰۹۴۱۵۰۰ رشته تحصیلی: روابط بین الملل
استاد راهنما: جناب آقای دکتر علیرضا سنجابی استاد مشاور: جناب آقای دکتر رضا جلالی	
آدرس و شماره تلفن: تهران- خیابان ۳۰ متری نیروی هوایی - خیابان شورا - تقاطع مسیل منوچهری - پلاک ۲۰۹ - واحد ۱۰ ۰۹۱۲-۵۴۶۲۳۰۴	
<p>چکیده پایان نامه (شامل خلاصه، اهداف، روش های اجرا و نتایج به دست آمده):</p> <p>پیروزی انقلاب اسلامی و روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷ شکست سنگینی برای سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه محسوب می گردد. سیاست های ضد ایرانی دولت های مختلف ایالات متحده، به شیوه های گوناگون تحریم های سیاسی و اقتصادی، تهاجم فرهنگی، حمایت از گروه های اپوزیسیون، تلاش برای تصویب قطعنامه در شورای امنیت برای محروم کردن ایران در دستیابی به فناوری صلح آمیز هسته ای و ... پیگیری شده است. با روی کار آمدن باراک اوباما، طرح و پیگیری سیاست «تغییر» و برنامه های صلح طلبانه به منظور اصلاح چهره منفور آمریکا دنبال گردیده است. وی یکی از برنامه های اصلی خود را اصلاح روابط ایران و آمریکا در قالب گفتگوی مستقیم و بدون پیش شرط با ایران عنوان کرد. یکی از اصلی ترین عوامل مطرح کردن مذاکرات بدون پیش شرط، کاهش قدرت آمریکا، در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی و نظامی می باشد. آمریکا، در دهه های اخیر، خصوصیات یک قدرت هژمون و مسلط را تا حدودی از دست داده و بخشی از قدرت خود را به رقبایش در عرصه بین المللی منتقل کرده است. هم اکنون کشورهایی مانند روسیه، چین، ژاپن و کشورهای عضو اتحادیه اروپا در برخی ابعاد اقتصادی، سیاسی و نظامی با ایالات متحده هموردی می کنند. مخالفت این کشورها با وارد آوردن فشار بیش از حد بر ایران، به ویژه برای حمله نظامی به این کشور، موجب اتخاذ اقدامات نرم تر در برابر ایران، در دوره اول اوباما شده است. همچنین بروز تحولات منطقه ای همچون بحران افغانستان، عراق، لبنان و تثبیت نقش عنصر شیعی در ساخت قدرت و سیاست منطقه ای و پیگیری برنامه های هسته ای ایران، تأثیرگذاری ایران را در مسائل سیاسی و امنیتی خاورمیانه افزایش داده و توازن سنتی قوا را در منطقه به ضرر آمریکا و متحدان منطقه ای آن همچون اعراب محافظه کار و اسرائیل به خطر انداخته است. بنابراین، رویارویی دولت اوباما در خاورمیانه با چالش هایی نظیر بحران اقتصادی، جنگ عراق و افغانستان، صلح فلسطین و اسرائیل و پرونده های هسته ای ایران سبب شده است از سیاست های تند و افراطی بوش مبنی بر حمله نظامی به ایران در صورت عدم تعلیق غنی سازی از سوی ایران ممانعت کرده و خواهان مذاکرات بدون پیش شرط با تهران گردد.</p> <p>واژگان کلیدی: اوباما، ایران، مذاکره، آمریکا</p>	
تاریخ و امضاء	نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهشنامه دانشکده مناسب است _ مناسب نیست

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۹	فصل اول: کلیات تحقیق.....
۱۰	۱-۱) طرح مسأله.....
۱۲	۱-۲) علل انتخاب موضوع.....
۱۳	۱-۳) سؤالات پژوهش.....
۱۴	۱-۴) فرضیات پژوهش.....
۱۴	۱-۵) متغیرهای پژوهش.....
۱۵	۱-۶) اهداف پژوهش.....
۱۶	۱-۷) جامعه مورد تحقیق پژوهش.....
۱۶	۱-۸) تعریف مفاهیم پژوهش.....
۲۳	۱-۸-۱) تعریف عملیاتی مفاهیم.....
۲۸	۱-۹) روش پژوهش.....
۲۸	۱-۱۰) روش گردآوری اطلاعات.....
۲۸	۱-۱۱) سازماندهی رساله.....
۳۰	فصل دوم: چارچوب نظریه ای.....
۳۰	۲-۱) مبانی نظری سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا.....
۳۰	۲-۱-۱) واقع گرایی و نواقح گرایی در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا.....
۳۶	۲-۱-۲) لیبرالیسم و نئولیبرالیسم در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا.....
۴۲	۲-۱-۳) نظریه گزینش عقلایی در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا.....
۴۶	۲-۱-۴) مکتب تعامل گرایی و سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا.....

- ۵۰..... (۲-۲) مبانی نظری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....
- ۵۲..... (۱-۲-۲) رویکرد آرمان گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....
- ۵۴..... (۲-۲-۲) رویکرد ژئوپولیتیک در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....
- ۵۶..... (۳-۲-۲) رویکرد سازه انگاری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....
- ۶۰..... (۱-۳-۲-۲) هنجارهای مؤثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....
- ۶۲..... فصل سوم: ادبیات پژوهش.....
- ۶۳..... (۱-۳) سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه: نقش لابی ها و گروه های ذی نفوذ.....
- ۶۷..... (۲-۳) لابی اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا.....
- ۷۲..... (۳-۳) کتاب آمریکا ۱ (ویژه دکترین امنیت ملی بوش در خاورمیانه).....
- ۷۶..... (۴-۳) آمریکا ۱۰ (ویژه بررسی اسناد استراتژی امنیت ملی آمریکا پس از جنگ سرد).....
- ۷۹..... (۵-۳) پس از نومحافظه کاران: پیشنهاد چارچوبی جدید برای سیاست خارجی آمریکا.....
- ۸۷..... (۶-۳) روابط ایران و آمریکا از پیروزی انقلاب اسلامی تا تسخیر لانه جاسوسی.....
- ۹۰..... (۷-۳) فصلنامه روابط خارجی.....
- ۹۶..... (۸-۳) رویکردها و طرح های آمریکایی درباره ایران.....
- ۹۹..... فصل چهارم: یافته های پژوهش.....
- ۱۰۰..... (۱-۴) مختصات افول قدرت هژمونیک آمریکا در ابعاد گوناگون.....
- ۱۰۳..... (۱-۱-۴) افول قدرت سیاسی آمریکا.....
- ۱۰۳..... (۲-۱-۴) افول قدرت اقتصادی آمریکا.....
- ۱۱۲..... (۳-۱-۴) دلایل افول قدرت نظامی - امنیتی آمریکا.....
- ۱۲۷..... (۲-۴) گسترش نفوذ منطقه ای ایران.....
- ۱۲۷..... (۱-۲-۴) عوامل داخلی مؤثر در گسترش نفوذ ایران در منطقه.....
- ۱۲۷..... (۱-۱-۲-۴) اهمیت ژئوپلیتیکی و استراتژی ایران.....

- ۱۲۹.....(۲-۱-۲-۴) اهمیت نفت، گاز و سایر منابع زیرزمینی ایران.....
- ۱۳۰.....(۲-۲-۴) عوامل خارجی مؤثر در گسترش نفوذ ایران در منطقه.....
- ۱۳۰.....(۱-۲-۲-۴) اهمیت سیاسی ایران در منطقه.....
- ۱۳۲.....(۱-۱-۲-۲-۴) نقش ایران در عراق پس از صدام.....
- ۱۳۷.....(۲-۱-۲-۲-۴) نقش ایران در تحولات دهه اخیر در افغانستان.....
- ۱۳۷.....(۳-۴) روابط ایالات متحده و قدرت های بزرگ.....
- ۱۴۲.....(۱-۳-۴) روابط آمریکا و اروپا.....
- ۱۴۲.....(۱-۱-۳-۴) رهیافت های شکل دهنده سیاست خارجی آمریکا در قبال اتحادیه اروپا.....
- ۱۴۶.....(۲-۱-۳-۴) همگرایی و واگرایی روابط آمریکا و اروپا.....
- ۱۴۸.....(۱-۲-۱-۳-۴) موارد همسویی.....
- ۱۴۹.....(۲-۲-۱-۳-۴) موارد اختلاف نظر.....
- ۱۵۲.....(۳-۱-۳-۴) رویکرد آمریکا- اروپا به ایران.....
- ۱۵۷.....(۲-۳-۴) روابط آمریکا و روسیه.....
- ۱۵۹.....(۱-۲-۳-۴) روابط آمریکا و روسیه پس از ۱۱ سپتامبر.....
- ۱۶۰.....(۱-۱-۲-۳-۴) مسائل نظامی - استراتژیک.....
- ۱۶۱.....(۲-۱-۲-۳-۴) تروریسم.....
- ۱۶۲.....(۳-۱-۲-۳-۴) گسترش ناتو.....
- ۱۶۲.....(۴-۱-۲-۳-۴) دموکراسی و حقوق بشر.....
- ۱۶۳.....(۵-۱-۲-۳-۴) روابط اقتصادی.....
- ۱۶۴.....(۶-۱-۲-۳-۴) انرژی.....
- ۱۶۴.....(۷-۱-۲-۳-۴) خاورمیانه.....
- ۱۶۵.....(۸-۱-۲-۳-۴) ایران.....
- ۱۷۰.....(۳-۳-۴) روابط چین و آمریکا.....
- ۱۷۳.....(۱-۳-۳-۴) حوزه های رقابت میان چین و آمریکا.....

- ۱۷۳.....تأثیرات ۱۱ سپتامبر بر روابط چین و امریکا..... (۲-۳-۳-۴)
- ۱۷۶.....روابط آمریکا و اسرائیل..... (۴-۳-۴)
- ۱۸۰.....کمک ها و همکاری های اقتصادی و نظامی به اسرائیل..... (۱-۴-۳-۴)
- ۱۸۲.....نفوذ لابی های یهودی در نهادهای تصمیم گیری آمریکا..... (۲-۴-۳-۴)
- ۱۸۳.....منافع مشترک سیاسی آمریکا و اسرائیل..... (۳-۴-۳-۴)
- ۱۸۵.....مهار بنیادگرایی اسلامی..... (۱-۳-۴-۳-۴)
- ۱۸۶.....منافع مشترک نظامی و امنیتی آمریکا و اسرائیل..... (۴-۴-۳-۴)
- ۱۸۶.....مبارزه با تروریسم..... (۱-۴-۴-۳-۴)
- ۱۹۰.....استراتژی مبارزه با دستیابی به سلاح هسته ای پس از ۱۱ سپتامبر..... (۲-۴-۴-۳-۴)
- ۱۹۲.....قراردادهای همکاری دفاعی..... (۳-۴-۴-۳-۴)
- ۱۹۲.....جمهوری اسلامی ایران در روابط امریکا و اسرائیل..... (۵-۴-۳-۴)
- ۱۹۴.....فشارهای مشترک امریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی..... (۱-۵-۴-۳-۴)
- فصل پنجم: روابط ایران و امریکا: بررسی متغیرها..... ۱۹۷
- ۱۹۸.....رابطه ایران و امریکا بعد از ۱۱ سپتامبر..... (۱-۵)
- ۱۹۸.....دوران اول ریاست جمهوری جرج دبلیو بوش..... (۱-۱-۵)
- ۱۹۹.....محورهای سیاست های دولت بوش در قبال ایران بعد از ۱۱ سپتامبر..... (۲-۱-۵)
- ۱۹۹.....افزایش شدت عمل در قبال ایران..... (۱-۲-۱-۵)
- ۲۰۰.....تبلیغات مکرر در مورد رابطه ایران با تروریسم..... (۲-۲-۱-۵)
- ۲۰۱.....دخالت در امور داخلی ایران..... (۳-۲-۱-۵)
- ۲۰۱.....مانورهای سیاسی و تبلیغاتی علیه برنامه هسته ای ایران..... (۴-۲-۱-۵)
- ۲۰۲.....دوره دوم ریاست جمهوری بوش..... (۳-۱-۵)
- ۲۰۳.....رابطه ایران و امریکا از زمان ریاست جمهوری باراک اوباما..... (۲-۵)
- ۲۰۶.....تغییر گفتاری..... (۱-۲-۵)

۲۰۷.....	تغییر رفتاری (۲-۲-۵)
۲۰۸.....	تغییر هویتی (۳-۲-۵)
۲۰۸.....	عوامل مؤثر در تغییر سیاست گذاری آمریکا نسبت به ایران (۴-۲-۵)
۲۱۰.....	سیاستگذاران میانه رو امریکایی (۱-۴-۲-۵)
۲۱۲.....	افزایش قدرت و نفوذ ایران در منطقه (۲-۴-۲-۵)
۲۱۵.....	نقش آفرینی ایران در عراق جدید (۱-۲-۴-۲-۵)
۲۱۸.....	نقش آفرینی ایران در فلسطین و لبنان (۲-۲-۴-۲-۵)
۲۱۹.....	نقش آفرینی ایران در افغانستان پس از سقوط طالبان (۳-۲-۴-۲-۵)
۲۲۱.....	شکاف بین اهداف و توانایی های بالفعل امریکا (۳-۴-۲-۵)
۲۲۷.....	چالش های سیاست خارجی آمریکا در زمان اوباما (۴-۴-۲-۵)
۲۳۲.....	مذاکره بدون پیش شرط اوباما (۵-۲-۵)
۲۳۷.....	رویکرد دیپلماسی مستقیم اوباما در مورد ایران (۱-۵-۲-۵)
۲۴۳.....	علت کاوی رویکرد جدید (۲-۵-۲-۵)
۲۴۶.....	نتیجه گیری و ارائه راهکارهای اجرایی و پژوهشی (۲-۵-۲-۵)
۲۸۰.....	منابع

مقدمه

تاریخ روابط رسمی مابین دولت های ایران و امریکا از اواسط قرن نوزدهم میلادی آغاز شد. در ژوئن ۱۸۸۳ (۱۳۰۰ هجری قمری)، امریکا اقدام به تأسیس کنسولگری در ایران کرد، و روابط در حد سفیر بین دو کشور در سال ۱۹۴۴ برقرار شد. پس از جنگ جهانی دوم روابط دو کشور، به ویژه روابط نظامی ایران و امریکا رو به فزونی گذاشت. در ۱۴ مهر ۱۳۲۸ ه. ش کنگره ایالات متحده امریکا قانون کمک به دفاع مشترک را به تصویب رساند و مبلغ ۲۷ میلیون دلار کمک نظامی در اختیار ایران قرار داد. در ۴ مرداد ۱۳۲۹ کنگره اصلاحیه‌ای به قانون دفاع مشترک افزود و ایران را از رده کره جنوبی و فیلیپین خارج ساخت و در ردیف ترکیه و یونان قرار داد که مجموع ۱۳۱ میلیون دلار کمک نظامی به این سه کشور اختصاص یافته بود (یسلسون، ۱۳۸۳: ۳۷).

روابط دولتهای ایران و آمریکا، پس از وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، رو به گسترش نهاد و نقطه اوج آن، دیدار «ریچارد نیکسون^۱»، رئیس جمهور آمریکا، با همراهی وزیر خارجه اش، «هنری کیسینجر^۲»، از ایران در سال ۱۹۷۲ بود. آمریکا که در آن زمان بشدت در جنگ ویتنام درگیر و توان خود را بر جنوب شرق آسیا متمرکز کرده بود، بشدت به متحدانی نیاز داشت که در حفظ منافعش در دیگر نقاط جهان یاری برسانند و از این رو، سیاست خود را در خاورمیانه بر این مبنا قرارداد تا ایران به عنوان نماینده و حافظ منافعش در خاورمیانه عمل کند.

پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، انقلابیون ایران از آغاز بر دو نکته بیش از هرچیز تأکید داشتند: چیرگی بر استبداد شاهی و استقلال در برابر اعمال نظر دول خارجی و امریکا، همین دو عامل زمینه‌ای برای اتحاد اکثر احزاب شد. شعارهایی نظیر «مرگ بر امریکا» و اصطلاحاتی همچون «شیطان بزرگ» از عواملی اند که در ۳۰ سال گذشته بر روابط میان ایران و امریکا بسیار تأثیرگذار بوده است.

¹ Richard Milhous Nixon

² Henry Alfred Kissinger

در این راستا، تصرف سفارت امریکا آغاز و نقطه شروع وخامت روابط سیاسی ایران و امریکا شد، و امریکا به دنبال این حرکت ایران، به طور کامل تحریم‌هایی علیه ایران وضع نمود، و سیاست خود را علیه تهران تغییر داد. با بدتر شدن روابط در طی زمان، کار به برخورد نظامی در خلیج فارس در زمان جنگ ایران و عراق کشید و نیروی دریایی امریکا به دنبال حمله ایران به نفتکش‌های کشورهای عربی، کشتی‌های جنگی ایران و یک سکوی نفتی ایران را نابود کرد. انهدام هواپیمای مسافربری پرواز شماره ۶۵۵ ایران ایر بر فراز آسمان خلیج فارس توسط یک ناو جنگی امریکایی، از نقاط اوج فجایع این دوران می‌باشد (ولایتی، ۱۳۸۴: ۳۵-۳۲).

در طول تاریخ روابط ایران و امریکا، پس از انقلاب ایران، گاهی قدم‌هایی برای بهبود روابط دو طرف نیز برداشته شده است که به دلایلی بی‌نتیجه مانده است. ماجرای «ایران-کنترا» را شاید بتوان اولین مورد از این اقدامات دانست. در طی این ماجرا ایران با کمک دلالت بین‌المللی اسلحه، مقادیری موشک و قطعات هواپیماهای جنگی خریداری نمود.

در زمان جنگ ایران و عراق، امریکا با هدف آزادسازی گروگان‌هایش در لبنان از دست چریک‌های مورد حمایت ایران مخفیانه به ایران سلاح فروخت، اما این معامله پنهان طی گزارش یکی از مجلات لبنانی لو رفت. طی این ماجرا، «رونالد ریگان»، رئیس جمهور وقت امریکا، حتی دو تن از مقامات خود را با هواپیمایی به تهران فرستاد تا با اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی و سیاستمدار پرنفوذ ایرانی دیدار کنند که به مواضع عملگرایانه شهرت داشت اما آقای هاشمی بعدها اعلام کرد که از دیدار با فرستادگان رونالد ریگان خودداری ورزید و رابطه پنهان ایران و امریکا از آن بیشتر پیش نرفت.

نقطه عطف بعدی در روابط ایران و امریکا، زمانی بود که «جورج بوش پدر» به ایران پیام فرستاد که اگر به آزادی باقیمانده گروگان‌های امریکایی در لبنان کمک کند، او نیز حاضر به کمک به حل مسائل کشورش با ایران است. ایران به ابتکار بوش پدر واکنش مثبت نشان داد و کمکش به آزادی گروگان‌های امریکایی لبنان انجامید اما جورج بوش که واپسین ماه‌های ریاست جمهوری را می‌گذراند و درگیر تلاش‌های انتخاباتی بود، عمل به وعده اش به ایران در اولویت کارهایش قرار نداشت،

سرانجام آقای بوش در انتخابات شکست خورد و جانشینش بیل کلینتون هم به جای اینکه به وعده های جورج بوش عمل کند، با در پیش گرفتن سیاست مهار دوگانه، ایران را در کنار عراق قرار داد و سیاست خود را بر انزوای این دو کشور از صحنه جهانی و جلوگیری از ایفای نقش آنان در خاورمیانه قرار داد.

ایران بدین ترتیب احساس سرخوردگی و فریبخوردگی کرد، بویژه آنکه «اکبر هاشمی رفسنجانی»، رئیس جمهور ایران، نیز در سال ۱۹۹۵ اقدام به عقد قراردادی یک میلیارد دلاری با شرکت نفتی آمریکایی کونوکو کرد که در آن زمان بنابر قوانین آمریکا، اقدامی کاملاً قانونی بود و گام بزرگی در جهت عادی سازی روابط ایران و آمریکا محسوب می شد اما دولت بیل کلینتون بلافاصله با صدور دستور تحریم ایران، مانع از عملی شدن معامله ایران با کونوکو شد و در عین حال تدابیری اتخاذ کرد تا دیگر کشورها نیز نتوانند بازاری را که کونوکو از دست یافتن به آن بازماند به دست بیاورند و در ایران سرمایه گذاری کنند.

در مورد دوران پس از روی کار آمدن «محمد خاتمی» در ایران، ایشان در مصاحبه اش با «کریستین امانپور»، خبرنگار سی. ان. ان، پیام های مثبتی به آمریکا فرستاد و «مادلین آلبرایت^۳»، وزیر خارجه وقت آمریکا، نیز طی دو سخنرانی که در یکی از آنها از نقش آفرینی آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد پوزش خواست با پیام های مثبتی به آقای خاتمی پاسخ گفت اما در ادامه، قدمهایی از جانب ایران برای بهبود رابطه با آمریکا برداشته نشد.

حتی برخی از دستیاران «محمد خاتمی»، رئیس جمهور وقت ایران، همانند وزیر کشور وقت، «عبدالله نوری»، بدلیل تبیین فکر برقراری روابط با آمریکا، برکنار و محاکمه نیز شدند.

در سال ۱۹۹۹، هنگامی که «مادلین آلبرایت» از ایران بابت شرکت در کودتای ۲۸ مرداد علیه محمد مصدق رسماً معذرت خواهی کرد و پیشقدم بهبودی روابط شد، «کمال خرازی» در پاسخ اعلام کرد حال که امریکاییان اعتراف به شرکت در آن واقعه را کردند، دولت ایران قصد ادعای خسارت از

³ Madeleine Korbel Albright

امریکا را خواهد نمود. در عوض، پس از پایان ریاست جمهوری «بیل کلینتون»^۴ در سال ۲۰۰۳-۲۰۰۲ نیز، هنگامیکه ایران بسته پیشنهادی به دولت بوش جهت برقراری روابط به امریکا ارائه نمود، از واشنگتن هیچگونه علاقه و پاسخی دریافت نکرد.

ایران نسبت به حادثه یازدهم سپتامبر و محکوم کردن آن بیش از کشورهای عربی نسبت به امریکا همدردی نشان داد و در حمله امریکا به افغانستان و سقوط طالبان نیز به امریکا یاری رساند اما «جورج بوش»^۵، رئیس جمهور امریکا در عوض، طی سخنرانی مشهور خود ایران را عضو محور شرارت لقب داد.

وزارت خارجه امریکا، برای زیرنظر قرار دادن کلیه اقدامات و حرکات در ایران، بودجه ۷۵ میلیون دلاری را به این امر اختصاص داد که به درخواست «کاندولیزا رایس»^۶، وزیر خارجه وقت امریکا و به منظور یاری رساندن به نهادهای مدنی ایرانی به تصویب کنگره رسید اما، در نهایت ابزاری برای حکومت ایران برای برخورد با فعالان مدنی و حقوق بشر شد.

در مذاکرات اتمی ایران و اتحادیه اروپا نیز فرصت هایی به وجود آمده که ایران از آنها استفاده نکرده و اینکه ایرانیها عزم جدی برای به نتیجه رساندن مذاکرات از خود نشان ندادند، در حالی که در دیپلماسی شرط نتیجه بخش بودن مذاکرات این است که هر دو طرف واقعاً هدف مشخصی از مذاکرات دنبال کنند و در جهت آن حرکت کنند.

در دوران ریاست جمهوری بوش پسر، پس از حمله نظامی امریکا به عراق، گزارش های زیادی درباره امکان حمله نظامی امریکا به ایران منتشر شد و «جرج بوش» بارها ایران را علناً تهدید به حمله نظامی و جنگ کرد. امریکا ایران را متقابلاً خطری جدی علیه امنیت خود شناسایی کرده بود، بطوریکه در اوت ۲۰۰۶، کمیته دائمی منتخب «مجلس نمایندگان ایالات متحده امریکا» در گزارشی به «کنگره امریکا»، ایران و «محمود احمدی نژاد» را یک «تهدید علیه امنیت ملی امریکا» دانسته و «موضع

^۴William Jefferson Bill Clinton

^۵George Walker Bush

^۶Condoleezza Rice

خصمانه ایران علیه امریکا» را دلیل محکمی برای لزوم پیشگیری از دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای دانست. حتی چند دور مذاکرات مستقیم محدود نمایندگان دو کشور در عراق، بر سر مسائل امنیتی عراق، نیز نتوانست تأثیری بر نزدیک شدن دیدگاه‌های دو کشور نسبت به یکدیگر داشته باشد (متقی، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

در این رابطه، «گری سیک» معتقد است که:

«رابطه جمهوری اسلامی و ایالات متحده به شکل عجیبی دچار عدم توازن است، به این معنی که هر گاه امریکا آماده و خواهان بهبود رابطه با ایران بوده، ایران خود را پس کشیده و هرگاه ایران ابراز تمایل کرده، امریکا بی میلی نشان داده است. برای بهبود رابطه ایران و امریکا، باید این عدم توازن از میان برود و زمانی فرا برسد که رهبران هر دو طرف عزم جدی برای بهبود رابطه از خود نشان دهند اما انتظار نمی رود چنین رویدادی در آینده نزدیک اتفاق بیفتد و دو طرف برای رسیدن به چنین مرحله ای راه درازی در پیش دارند. مهمتر اینکه، انقلاب ایران، انقلابی ضد امریکایی بوده است» (<http://www.bbc.co.uk>).

با روی کار آمدن «باراک اوباما»، در سال ۲۰۰۹، وی تلاش کرد از شیوه برخورد خصمانه دولت «جورج دبلیو بوش» فاصله بگیرد. به همین جهت بعد از روی کار آمدن دولت وی در امریکا، شاهد طرح مسائلی مانند «اعلام آمادگی واشنگتن برای مذاکره بدون پیش شرط با تهران» و «تغییر رفتار»^۷ دولت امریکا، در داخل ایران بوده ایم و به نظر می رسد امریکا از سیاست «تغییر رژیم»^۸ در ایران عدول کرده و راه های مسالمت آمیزتری را در قبال ایران پیش گرفته است. هرچند این جهت گیری احتمالی امریکا، به ویژه پس از سپری شدن حدود سه سال از زمامداری اوباما، جای تأمل دارد، اما، بررسی جنبه های مختلف آن برای دستگاه های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت می باشد.

^۷Behaviour Change.

^۸Regime Change.

«ریچارد ان. هاس»^۹، رئیس شورای روابط خارجی آمریکا، و «مارتین ایندایک»، مدیر مرکز مطالعاتی «سابان» در «انستیتوی بروکینگز»^{۱۰}، در ابتدای سال ۲۰۰۹، دستور کار خاورمیانه‌ای باراک اوباما را طی مقاله‌ای در مجله «فارن افیرز»^{۱۱}، مشخص ساختند که اکنون سه سال از انتشار آن می‌گذرد. سخن اصلی ریچارد هاس و مارتین ایندایک در مقاله «فراسوی عراق، راهبرد نوین ایالات متحده در خاورمیانه» این است که زیستن در خاورمیانه با و بدون ایران، پیچیدگی‌ها و دشواری‌هایی دارد. با این وصف، ایران کانون تمرکز و تراکم تحولات خاورمیانه است. از آنجا که آنچه در خاورمیانه رخ می‌دهد (مانند تروریسم، هسته‌ای شدن یا جنگ نفتی) بصورت مستقیم به فراتر از این منطقه سرایت می‌کند، لازم است دولت اوباما با استفاده از تجربه‌های گران و تلخ دولت جرج واکر بوش، راهبرد خردمندانه و اثربخشی در خاورمیانه اتخاذ کند (شهیدی، ۱۳۸۸: ۱۰).

به این ترتیب، شکست راهبرد محافظه‌کاران کاخ سفید در بهره‌گیری از قدرت سخت، برای مقابله با چالش‌های جهان، موجب گرایش تصمیم‌سازان جدید کاخ سفید به رویکردی جدید گردید؛ رویکرد جدید، که «باراک اوباما»^{۱۲}، رئیس‌جمهور جدید آمریکا، نماینده آن تلقی می‌شود، به استفاده از هوشمند شهرت یافته است. وی بر آن است که دکترین هشتم امنیتی آمریکا، مبتنی بر جنگ پیشدستانه نومحافظه‌کاران، را با رهبری خویش در رأس نودموکراتهای آمریکا، به دکترین نهم امنیتی آمریکا، که آن را دکترین «دموکراسی پیشروانه» نام می‌نهند، انتقال دهد.

به واقع، اوباما نماینده کاربرد قدرت هوشمند در آمریکا است. قدرتی که تلاش می‌کند مخرج مشترک قدرت نرم و سخت باشد. در واقع این قدرت درهم تنیده و هدفمند می‌خواهد تا قدرت سخت و نرم را در سیاست در عرصه‌های گوناگون داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دنبال کند. اوباما تلاش‌های بسیاری برای دگرگون کردن سیاست خارجی آمریکا و دوری جستن از «یکجانبه‌گرایی»^{۱۳} انجام داده است. هرچند سه سال زمان زیادی برای بررسی و نتیجه‌گیری در مورد روند سیاست خارجی آمریکا،

^۹Richard N.Haass.

^{۱۰}Brookings Institute.

^{۱۱}Foreign Affairs.

^{۱۲}Barack Hussein Obama

^{۱۳} Unilateralism

در زمان اوباما، نیست، شاید مهمترین جنبه این است که سیاست های هشت سال گذشته تغییر کرده و این تأییدی است بر چرخش سیاست در امریکا. به عبارت دیگر، پیروزی اوباما در انتخابات ریاست جمهوری نشان دهنده این است که جامعه امریکایی خواهان تغییرات بنیادین و علاقه مند به نگاه به درون، همکاری های جهانی و تعامل با کشورهای دیگر است (فرخ زاده، ۱۳۸۷: ۱۵).

اوباما طی یک مصاحبه مطبوعاتی، در سال ۲۰۰۹، گفت:

«ما در حال نزدیک شدن به ایران هستیم و تلاش می‌کنیم تا الگوی سی سال گذشته را که در منطقه نتیجه‌ای نداشته است، تغییر دهیم. آنچه گفته‌ام این است که می‌خواهیم به ایران فرصتی را پیشنهاد کنیم تا خود را با استانداردها و قوانین بین‌الملل تطبیق دهد. معتقدم که ایران قدرتی دارد تا ویژگی اسلامی خود را حفظ کند و هم‌زمان عضوی در جایگاه خوب جامعه بین‌الملل بوده و برای همسایگانش تهدید نباشد» (هفته‌نامه نیوزویک، ۱۳۸۸).

سؤالاتی که در این راستا می‌تواند مطرح شود این است که آیا دولت «باراک اوباما» از روی ضعف و ناتوانی امریکا، خواهان مذاکره بدون پیش شرط با ایران است، یا اینکه دلایل و انگیزه دیگری برای طرح این موضوع وجود دارد؟ آیا رهیافت «دیپلماسی مستقیم»^{۱۴} اوباما در قبال ایران واقعی است و در بررسی علی‌آن، برای معلول مذاکره مستقیم چه علت‌هایی می‌توان گمانه‌زنی کرد؟ پیگیری چه اهداف و انگیزه‌هایی از سوی سران دموکرات کاخ سفید موجب اتخاذ چنین رویکردی شد و چگونه باید با آن مواجه شد؟ آیا تیم اوباما از ظرفیت لازم برای بازنگری اساسی در سیاستهای آمریکا برخوردار است؟

برای ترسیم ابعاد واقعی موضوع، در این پژوهش سعی خواهد شد تا علاوه بر مروری تاریخی بر رابطه ایران و امریکا، به ویژه پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، به مواضع اعلامی رهبران و چهره‌های برجسته سیاست خارجی ایالات متحده و ایران و جهت گیری های سیاست خارجی دو کشور در منطقه خاورمیانه در چند سال اخیر نیز پرداخته شود. همچنین، برای درک بهتر

¹⁴ Direct Diplomacy

چگونگی روابط ایران و امریکا در آینده، ناگزیر از بررسی مبانی سیاست خارجی امریکا هستیم. تغییر و تحول در سیاست خارجی ایالات متحده به دلایل مختلف برای اغلب واحدهای سیاسی جهان دارای اهمیت می‌باشد. زیرا امریکا با قائل شدن نقش جهانی برای خود و تعریف منافع خود در ابعاد جهانی، تقریباً طرف ثابت هر تحول و معادله بین‌المللی و منطقه‌ای محسوب می‌شود.

فصل اول:

کلیات تحقیق